

انتظار و علاقه تماشاگر برایش ساخته‌ایم و او را با سینما قهر داده‌ایم، این مشکل به ما برمی‌گردد نه مسؤولان. در تمام دنیا برای عرضه هر محصولی تبلیغات وسیعی روی آن انجام می‌شود. یک سال قبل از نمایش پارک زوراسیک تب دایناسور همه دنیا را فرا می‌گیرد. آب نبات - بسته‌بندی عروسک اسباب‌بازی - پوشاک و ... همه دایناسور می‌شود، بعد وقتی این فیلم به نمایش درمی‌آید ظرف ۵ هفته تمام هزینه خودش را تأمین می‌کند. یعنی

تبلیغات هم‌زمان با ساخت فیلم در نظر گرفته می‌شود و هزینه آن از هزینه اولیه فیلم تأمین و سپس در همین راه مورد استفاده قرار می‌گیرد اما در ایران اینگونه نیست همواره تبلیغات را ناچیز شمرده‌اند و این به سازندگان و تهیه‌کنندگان و دفاتر تولید برمی‌گردد و نه ارشاد، چرا که اینها با انجام روشهای نوین تبلیغی مطابق با فضای فرهنگی و عرفی کشور می‌توانند محصول خود را اشاعه دهند.

○ در آخر وقتی شما نگاهی به آمار فروش فیلمتان می‌اندازید آیا راضی می‌شوید یا خیر؟  
● آمار فروش فیلم نشان می‌دهد استقبال خوبی از فیلم شده است. در حالیکه فیلم را بدون تبلیغ شروع کردم و در ۴ روز به مرز ۷ میلیون تومان رسیدیم که صرف‌نظر از مبلغ بیان‌گر تعداد تماشاگری است که به سالن رفته برای دیدن فیلم. من فکر می‌کنم تماشاگران چندان ناراضی نباشند و از فیلم راضی هم باشند.

مورد به مورد آدمها را به من نشان دادند، عکسهایی گرفتیم و با بسیاری صحبت کردم. متوجه شدم کاری که سهواً انجام شده است، می‌رفت که توفاتی به پا کند و فاجعه‌ای به بار بیاورد.  
خیلی متأسف شدم و دیدم ما اکنون امکان آن را پیدا کرده‌ایم که فیلمی بسازیم که هم می‌تواند ویران‌کننده باشد و هم سازنده. هر چقدر آگاهتر از این هنر استفاده می‌کردیم، نتیجه بهتری می‌گرفتیم، و هر جا خواسته یا ناخواسته لغزشی داشته باشیم، جمع بسیاری در پشت سر ما خواهند لغزید.

○ جذابیت‌های مورد اشاره‌تان در قصه‌ای که خواندید کدام بود؟

● رمان داستان زندگی دختری بود که تمام هستی‌اش یعنی جانش را فدای هدف خویش کرده بود، تا علم و دانش و فرهنگ جامعه‌اش اعتلا پیدا کند. این مسئله به خودی خود برایم جذاب بود. اما قصه فیلم عصیان ارتباطی به این رمان ندارد. فیلم تأثیر رمان را بر خود نمایش می‌گذارد.

○ در آغاز صحبت گفتید برای بازیابی فیلمنامه دیگری به محل مورد نظر رفته بودید، تکلیف آن فیلمنامه چه شد؟

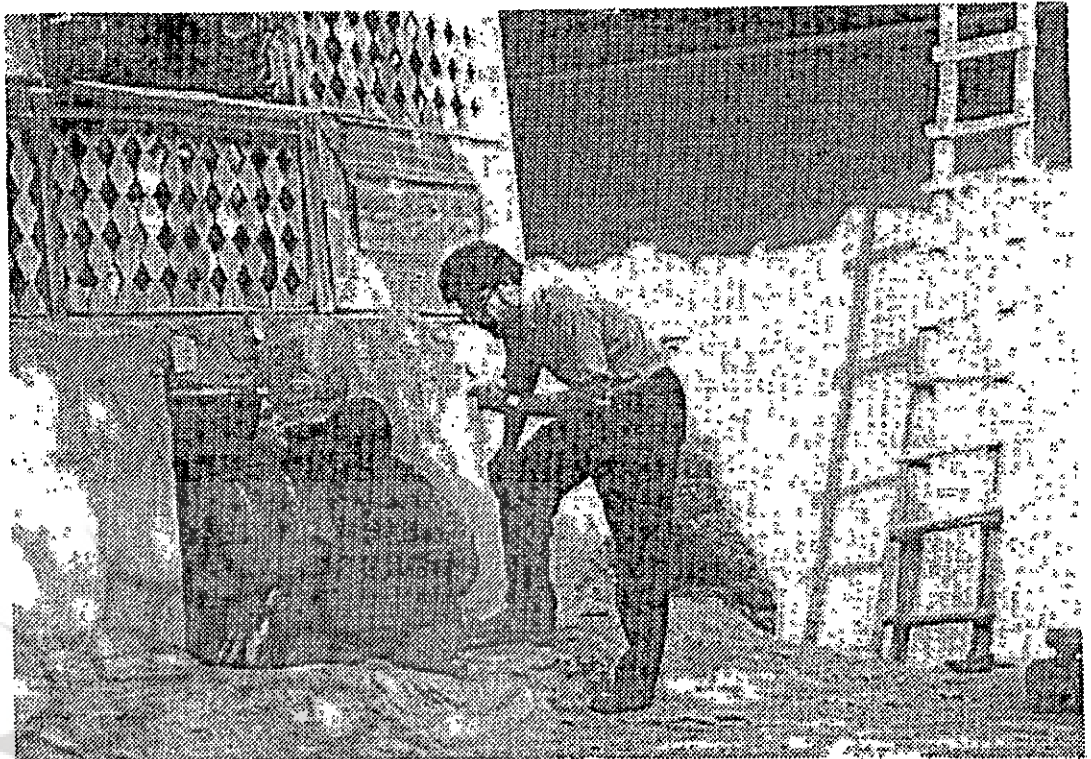
● من برای نوشتن یک فیلمنامه سینمایی دیگر وارد آن منطقه شده بودم. آن فیلمنامه هیچوقت نوشته نشد و تحت تأثیر جذابیت‌های همین رمان قرار گرفت. تأثیر رمان باعث شد تا از مسیر نوشتن آن فیلمنامه دور شوم و کار بر روی این یکی را دنبال کنم.

○ هیچوقت به فکر نیفتادید که دوباره به سراغ آن بروید؟

● دیگر فرصتی پیش نیامد. البته منابع اصلی و تحقیقات انجام شده بر روی آن موجود است، اما چیزی که مرا برای کار بر روی آن تحریک کند به وجود نیامد. موضوع فیلم عصیان آنقدر گرم بود که مرا بشدت وسوسه و شیفته خود کرد. من پس از تحقیقات در مورد فیلمنامه عصیان به تهران برگشتم. در تهران با نویسنده رمان دیدار و صحبت کردم. ماجرای پدیدآمده را به او گفتم. وی باورش نشد و تعجب کرد، همان‌طور که من در آغاز آن را باور نمی‌کردم. او خیلی متأسف شد که شباهتهایی بین رمان و ماجراهای واقعی به وجود آمده است. حتی به من گفت تلاش می‌کند به آن روستا برود و از مردم آن‌جا دلجویی کند. به او گفتم شاید من این موضوع را تبدیل به فیلم بکنم. یک سال بعد این اتفاق افتاد و فیلم عصیان ساخته شد.

○ هنگام نوشتن فیلمنامه و ساخت آن هیچ صحبت و مشورتی با نویسنده رمان داشتید؟

● خیر، هیچ مشورتی نداشتیم. بعد از ساخته شدن فیلم، ایشان فیلم را دیدند. تصور می‌کردم از من گله خواهد کرد، هر چند که من تلاش کرده بودم در فیلم از فرد یا موقعیت خاصی اسم نبرم. وی پس از تماشای فیلم از من تشکر کرد و گفت سراسر زمان نمایش فیلم گریه



خیرالدین در پشت صحنه عصیان (عکس: مهرداد کیانی)

## باید به گفتگو بپردازیم

گفتگو با حمید خیرالدین، کارگردان

حمید خیرالدین سازنده فیلم عصیان، برای کودکان و نوجوانان دو فیلم آهوی وحشی و کمین را نیز ساخته است. عصیان قصه پسر نوجوانی است که پخش یک کتاب قصه در روستایی که او در آن زندگی می‌کند، برای وی شرایط دشواری را به وجود می‌آورد. شباهتهایی بین کاراکتر اصلی قصه کتاب و مادر او وجود دارد و پسر تصمیم می‌گیرد واقعیت مسئله را کشف کند.  
با خیرالدین که مدتی قبل از کارگردانی فیلم جنگی و بزرگسالانه سجده بر آب فارغ شد، به مناسبت اکران عمومی فیلم عصیان گفتگویی انجام داده‌ایم.

○ از طرح سوژه «عصیان» و چگونگی گسترش کار قصه شروع کنیم.

● بسم‌الله الرحمن الرحیم. چند سال قبل من برای نوشتن یک فیلمنامه، دست به یک سفر بازیابی زدم، این سفر شامل کاشان و جنوب خراسان می‌شد. در این سفر به منطقه «رازجلگلان» وارد شدم. قبلاً رمانی خوانده بودم که بسیار جذاب بود. قصه این رمان در همین محل تحقیق شده بود. یکی از جلتهای حضور در این منطقه شاید این بود که می‌خواستیم ببینیم چقدر این داستان به واقعیت نزدیک است و چقدر آدمها و شخصیت‌های رمان وجود خارجی دارند.

وقتی وارد منطقه شدم چون آدرس دقیق نداشتیم، ترجیح دادم به نهضت سوادآموزی و به سراغ آن شخصیت

آموزشیاری که شخصیت محوری قصه - هم در واقعیت و هم در رمان - بود بروم. با کمک آنها روستای مورد نظر را پیدا کردم. حوالی ظهر بود که در شرایطی بارانی وارد محل شدم. با چند معلم به بحث و گفتگو پرداختیم و کار تحقیق را شروع کردم. اواخر کار تحقیق من به این رمان اشاره کردم و گفتم منطقه شما به واسطه آن رمان شهرت پیدا کرده است.

یکی از معلمها گفت: بله، مشهور شده است، اما به فساد. در ادامه توضیحات او متوجه شدم تشابهاتی بین قصه و بعضی آدمهای آن با رمان به وجود آمده و همین مسائلی را در آن‌جا پدید آورده است. مسئله به این صورت بود که نوجوانی که در این رمان مادرش مورد اتهام قرار گرفته بود، گفته بود مادرش را می‌کشد و از مدرسه گریخته بود. برایم این مسئله قابل باور نبود. تا این‌که بعضی از شخصیت‌های رمان و واقعیت را از نزدیک دیدم.

صبح روز بعد قرار شد برای این‌که من به یک نتیجه و باوری برسیم به آن روستا برویم. حوالی سحر بیدار شدم و با همراهی یک راهنمای کرد پای پیاده راهی محل مورد نظر شدیم. در روستایی که جلوتر قرار داشت، اسبی گرفتیم و سه ساعت بعد به روستای اصلی رسیدیم. وقتی به روستا رسیدیم و مردم محل متوجه شدند ما که هستیم و برای چه کاری به آن‌جا رفته‌ایم، برآشفته شدند. برآشفتنی آنان به حدی بود که بوی خطر از آن می‌آمد. تلاش کردم آنها را آرام کنم. گدخدا و ریش‌سفیدان روستا

می‌کرده است. او خشنود بود که به قضیه از دیدگاه هنری نگاه شده و تأثیرات مثبت و منفی آن مطرح شده است.

○ واکنش مردم منطقه چگونه بوده است، آنها فیلم را دیده‌اند؟

● فیلم پس از سه سال که از ساخت آن می‌گذرد تازه در تهران اکران شده و هنوز در شهرستانها به نمایش درنیامده است. مردم آن شهرستان هنوز فیلم را ندیده‌اند.

○ با توجه به نوع قصه فیلم، در زمان ساخت فکر نمی‌کردید ممکن است با مشکلاتی روبرو شود؟

○ چرا، حدس می‌زدیم. قبل از این سه چهار فیلمنامه سینمایی داشتیم که آنها را خودم و دوستان دیگر کار کرده بودیم. اکثر این فیلمنامه‌ها را به شکل کامل ارائه می‌دادم. اما از آن‌جا که احساس می‌کردم این فیلمنامه از حساسیت خاصی برخوردار است و مشورت سیاست‌گذاران را می‌طلبد، از مقطع ایده به مشورت و بهره گرفتن از نظر مسئولیتی که به نوعی در تلویزیون، فارابی و ارشاد بودند، پرداختم. به سیاست‌گذاری‌های کلان در نظام جمهوری اسلامی کاملاً اشراف داشتم. دوستان هم جسارت به خرج دادند و از موضوع استقبال کردند. همان‌طور که خود من هم با انتخاب این قصه به نوعی جسارت کرده بودم.

یکی از دلایلی که من برای خودم داشتم این بود که ما حق داریم درباره مطالب خاص خودمان نیز صحبت کنیم. نیت امثال من خیر است و تکلیفمان با انقلاب و نظام روشن است. به همین دلیل با جسارت بیشتری به سمت و سوی این فیلمنامه رفتم. آن را از مرحله ایده به فیلمنامه رساندم. مصوبه آن را گرفتم و با سرمایه‌گذاری دفتر فیلمسازی همراه و گروه کودک و نوجوان شبکه دوم، کار به مرحله تولید رسید.

زمان نمایش فیلم در جشنواره با فعل و انفعالات و تغییر و تحولات در معاونت سینمایی ارشاد مصادف شد.

فیلم به نوعی با دو موج مثبت و منفی روبرو شد. در مجموع فیلم در اکران محدودی در ساعات اولیه جشنواره به نمایش درآمد. پس از سه سال با تغییرات و تحولاتی که در شورای بازبینی و نظارت و ارزشیابی به وجود آمد، فیلم با دخل و تصرفاتی امکان نمایش پیدا کرد.

○ در حال حاضر که فیلم پس از چند سال اکران عمومی می‌شود از جسارتی که در طول صحبت یاد کردید، خشنودید؟

● وقتی فیلمی برای مدتی امکان نمایش پیدا نمی‌کند، غباری از غم و اندوه بر دل فیلمساز و تمام دست‌اندرکاران آن فیلم می‌نشیند. من فکر می‌کنم وقتی که ما همدیگر را باور داریم این حق را نیز داریم که وارد مقولات خاص هم بشویم. برای این‌که نواقص و تواناییهای خودمان را ارزیابی کنیم باید به گفتگو بپردازیم. نواقص را برطرف و نقاط قوت را تقویت کنیم. اما این‌که فیلمسازی من سه سال بلا تکلیف بماند نه شایسته من فیلمساز و نه شورای نظارت است. به همین دلیل از آن جسارت موردنظر ناراضی نیستم. معتقدم راه حل این نیست که ما بعضی از مطالب را به جای این‌که با حفظ حریم مورد نقد و بررسی قرار دهیم، داخل کثو بگذاریم. ما باید صورت مسئله را حل کنیم، نه پاک.

○ به کار در زمینه‌های روستایی علاقه خاصی دارید؟

● علاقه‌مند به کار در سینمای کودک و نوجوان هستم و سه کار اولم در این زمینه بوده است. نسبت به روستا هم شناخت دارم. همین امر باعث شده در این بستر حرکت کنم.

○ با توجه به این علاقه چطور شد کار آخرتان اثری بزرگسالانه است؟

● برای کارم خط‌کشی و مرزبندی دقیق و مشخصی نکرده‌ام. بیشترین چیزی که برابم اهمیت دارد و به عنوان میزان آن را در کار لحاظ می‌کنم، ارتباط است. با هر سوزهای که بتوانم ارتباط برقرار کنم و احساس کنم این سوز می‌تواند تأثیرات مثبت فرهنگی داشته و به نفع اعتقاداتمان باشد، برای کارگردانی آن قدم برمی‌دارم.

به همین علت وقتی فیلمنامه سجده بر آب را خواندم، دیدم یک ملودرام زیبای جنگی است. سجده بر آب شاید اولین فیلمی است که وارد حریم بسیجیان می‌شود و زندگی خصوصی آنها، عشق‌شان، شادبها و غم‌هایشان را به شکلی نجیبانه مورد بررسی قرار می‌دهد. به همین علت جذب این فیلمنامه شدم و آن را کارگردانی کردم.

○ ضمن حفظ ارتباط با موضوع، چقدر حفظ ارتباط با تماشاچی را مدنظر دارید؟

● به اعتقاد من، ما باید به تماشاچی فهیم و علاقه‌مند به سینما توجه داشته باشیم. ضمن این‌که سطح فرهنگی و ذوقی او را بالا می‌بریم جاهایی هم لازم است او را جذب کرده و نگاه داریم. اول باید بر روی تماشاچی تأثیر گذاشت و بعد حرفها و تصاویر خود را در لایه‌های زیرین و تصویری به او منتقل کنیم.

شاید سؤال مورد نظر از آن جا برای شما پیش آمده که فیلم آهوی وحشی یا عصیان با توفیق گیشه‌ای زیادی روبرو نشده است. این مسئله در جایگاه خود قابل بحث و بررسی است. سینمای کودکان و نوجوانان ما متأسفانه جایگاه زیادی ندارد و کار لازم برای آن انجام نشده است. آنچه ما به عنوان سینمای کودک و نوجوان جذاب داریم، یک سینمای فانتزی و خیالی است که من در این جا قصد ندارم به تحلیل آن بپردازم. فیلمی مثل نیاز نیز که از تولیدات مطرح سینمای کودک و نوجوان است به مدد حمایت‌های آموزش و پرورش است که به فروش خوبی دست پیدا می‌کند. بدون این حمایتها، این فیلم هم مسلماً با شکست تجاری روبرو می‌شد.

## مؤسسه دانشگاهی رسام هنر

### کلاسهای آزاد هنر



### کنکور هنر و معماری

کلاسهای اختصاصی مرحله اول و دوم به صورت تکدرس  
در ۶۰ ساعت  
نظام قدیم و جدید آموزشی و چندین مرحله  
امتحان در طول ترم و کنکور آزمایشی

■ واحد تجسمی:  
طراحی، نقاشی (آبرنگ، رنگ روغن، مینیاتور)،  
عکاسی، گرافیک، خوشنویسی، سفالگری،  
■ واحد تئاتر:  
گرم، بازیگری، نمایشنامه‌نویسی، طنز نویسی،  
طراحی پارچه، کارگردانی تئاتر، طراحی لباس  
■ واحد سینما:  
فیلمنامه‌نویسی: فیلمسازی، کارگردانی، کارگاه  
نقد و تحلیل فیلم، تصویربرداری ویدئو  
■ واحد موسیقی:  
تئوری موسیقی، سولفژ، هارمونی، تار، سنتور،  
سه تار، تنبک، دف، پیانو، ویولن، ساخت سه تار

هنرجو می‌پذیرد  
با حضور اساتید دانشگاه  
و ارائه گواهینامه

### مؤسسه دانشگاهی رسام هنر

مدیریت تولید  
با ابتکار طرح‌های نو در غرض تبلیغات و  
تزیینات به استقبال مدیران دوستدار خلاقیت و  
زیبایی می‌شتابد

فیلم  
ساخت انواع  
تیزرهای  
تلویزیونی  
فیلم‌های صنعتی  
مسئله و داستانی  
تلفن: ۱۴۱۰۳۱۱

مقابل در اصلی دانشگاه تهران، خیابان  
فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری  
تلفن:  
۶۴۱۷۳۲۴-۶۴۱۷۳۲۵  
۶۴۴۱۱۷۹-۶۴۱۹۱۶